



کتابخانه گویا برای نابینایان

پدیدآورده (ها) : تعاونی، شیرین
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: نامه انجمن کتابداران ایران :: دوره هشتم، تابستان 1354 -
شماره 2
از 219 تا 228
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/844096>

دانلود شده توسط : عمومی user2314

تاریخ دانلود : 15/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



کتابخانه گویا برای نابینایان

از: شیرین تعاونی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

" تا آنان که گوشی برای شنیدن دارند، بشنوند. "

مرقس حواری

بر سر میز گرد کتابداران بیمارستانی نشسته بودم. به کمک ناآشنائی و ناآگاهی به کار کمیته، بیاری خوش خیالیهایم و به لطف چهره های گشاده و دروېرم، تك تك حاضران را فلورانس نایتینگلی می دیدم و به خودم می گفتم اینها سالهای سال راه مردم را با چراغ یا کتاب یا چیزهای دیگر روشن کرده اند و امروز هم نوبت به من رسیده است. و خوشحال از اینکه ایسن آخرین روز ایفلا می تواند روزهای خالی پیشین را پر کند و پاسخی باشد به برخی از پرسشهای من، و . . . که انگلیسی شکسته بسته خانم هلندی رئیس کمیته مرا نشانه گرفت: " تو کی هستی؟ " از جا پریدم. بد خوابیهایی

شبهای قبل و خیالبافیهای صبحگاهی، از توجه به صحبتها بازم داشته بود. نفهمیده بودم که قرار شده هرکس خودش را معرفی کند و سخنی بگوید. دستیاچه گفتم که کسی نیستم و چیزی نمیدانم: قضا و قدر مرا به این سرزمین کشانیده است و من خودم را به این کمیته کشانیده ام. پرسش و انتظار هنوز راحت در نگاهها نشسته بود. با تردید افزودم که با کار کتابخانه های بیمارستانی چندان آشنائی ندارم، تماشاگر خوبی هستم و بخاطر بازدید از تسهیلات ویژه نابینایان، که در برنامه کار امروز کمیته گنجانیده شده به اینجا آمده ام. دیدم که لطف و مهربانی و حتی تفقد به نگاهها برگشت، چه من در آن جمع، نادانی بودم که می دانستم که نمی دانم. چنین بود که دیگرانی که پس از من سخن گفتند هر کدام بدون استثناء به خدمات کتابخانه های نابینایان در کشورهای خود اشاره کردند. سخنران رسمی کمیته نیز که در باره کتابخانه های بیمارستانی نروژ سخن می گفت دو یا سه بند به صحبت چاپ شده اش در مورد کتابخانه نابینایان افزود. و صحبتها هنگام نهار و بعد از ظهر و در خلال بازدیدها و پس از آن ادامه یافت بی آنکه از عطشم بکاهد. و روز که پایان گرفت و از چهره های گشاده و ذهنهای حاضر به خدمت این طبقه بسیار ویژه کتابداران که جدا شدم، افسردگی به سراغم آمد و درد مقایسه. حالت کودکی را داشتم که آرزوی یادکندک های رنگین و تزئینات عجیب و غریب کارناوالهای شاد را دارد، و کارناوال می گذرد بی آنکه چیزی جز حسرت و سرگیجه برای او به جای بگذارد. تسهیلات اجتماعی و فرهنگی نابینایان این کشورها (۱) را نه با نابینایان کشورهای در حال رشد بل که با نابینایان

(۱) در این مقاله مرادم از "این کشورها" آمریکا، انگلستان، کانادا، ژاپن، هلند، سوئیس و کشورهای اسکاندیناوی است. متأسفانه به اطلاعات در مورد کتابخانه نابینایان در روسیه دسترسی نداشتم.

این ممالک مقایسه می‌کردم و می‌اندیشیدم که ندانستن چه داروی آرامش بخشی است .

با اینهمه بدانیم که :

— می‌توان به نابینایان برای بسیاری از مشاغل حساس آموزش داد :
در ژاپن عده‌ای از نابینایان را برای کار با کامپیوتر آماده می‌کنند .

— علاوه بر مدارس حرفه‌ای ویژه نابینایان ، دوره‌های مخصوصی برای دوباره آموزی امور روزمره زندگی به کسانی که در سنین بالا چشم خود را از دست داده‌اند وجود دارد .

— در کشورهای اسکاندیناوی بحث برسر میزان تهیه کتابهای شبیه پوینوگرافی برای علاقمندان نابینای آن است .

— در آمریکا اطلاعات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ، قوانین رفاه اجتماعی ، تسهیلات ویژه معلولین و مانند آن بر روی نوار ضبط و بین نابینایان پخش می‌شود .

— از جمله تسهیلاتی که در کشورهای اسکاندیناوی برای نابینایان فراهم آمده ، چراغهای راهنمایی جدید است . این چراغها (لا اقل در سوئد و فنلاند) بوسیله صدای مخصوص ، رنگ را به نابینایان اطلاع می‌دهد .

— در اکثر این کشورها : آداب معاشرت با نابینایان را بصورت جزوه چاپ و بین بینایان منتشر کرده‌اند ؛ در برخی رستورانها صورت غذا به خط بریل نیز موجود است ؛ سازمانهای رفاه نابینایان سگهای ویژه راهنمایی نابینایان تربیت می‌کنند ؛ انواع وسایل سرگرمی و کار برای ایشان تهیه شده مانند ماشین تحریر بریل ، ساعت ، شطرنج ، بریج ، وسایل باغبانی ، بافندگی و جز آن .

— در کتابخانه عمومی هانتینگتون آمریکا لا بلای کتابهای کودکان ،
ورقه های ترانسپرنسی با خط بریل قرارداد داده اند تا مادر نابینا و کودکان
بینا ، یا بالعکس ، بتوانند بایکدیگر کتاب بخوانند .

کتاب در خدمت نابینایان :

شخص نابینا ، فردیست باتمام ویژگیها و نیازها و مشکلات انسانی که
بجای پنج حس فقط چهارحس در اختیار دارد . برای جایگزین کردن
حس بینایی او د و راه موجود است :

۱- استفاده بیشتر از سایر حواس و تربیت حافظه

۲- تغییر محیط و شرایط .

و کتابداران تلفیقی از این دو راه حل را بکار گرفته اند ، به این
معنی که محیط کتابخانه ، یعنی کلام نبشته را به شکلی در آورده اند که
نابینایان بتوانند بیاری حواس لامسه و شنوایی به آن دست یابند .
در زمانها و سرزمین های مختلف کتاب نابینایان شکل های گوناگون
بخود گرفت که هر تغییر ، پیشرفتی بود در جهت کوتاهی ، سادگی ، سرعت .
در ابتدا کلام را به خط معمولی ولی برجسته می نوشتند . یکی از این خطوط
بنام مون Moon که در اوایل قرن ۱۹ توسط دکتر مون انگلیسی اختراع
شد هنوز مورد استفاده نابینایان است . در اواسط قرن ۱۹ لوئی بریل
فرانسوی ، که خود نابینا بود ، خطی بر مبنای نقاط برجسته اختراع کرد .
مزایای این خط بر ابداعات پیش از آن در فشردگی ، روانی ، و مهم تر
از همه در امکان نگارش شخصی و دستی توسط فرد نابینا بود . به این
ترتیب شخص می توانست علاوه بر مطالعه ، بنویسد و با نابینایان دیگر
ارتباط یابد .

در سال ۱۸۷۸ توماس ادیسن پیشنهاد کرد کتابهای نابینایان بر روی صفحه ضبط شود. پس از ۵۰ سال این پیشنهاد با پیش بینی واقعیت یافت. در حدود سال ۱۹۳۴ اولین کتابهای گویا بصورت صفحه در اختیار نابینایان قرار گرفت و بزودی وسیله اساسی ارتباط ایشان با دنیای کتاب شد. برتری کتاب گویا بر کتاب نوشته آنست که نابینایان شنوایی توانمند بدون سواد خواندن و یا آشنائی با علائم قراردادی خط از محتوی کتاب استفاده کنند.

در اکثر ممالک پیشرفته، نهضت کتاب رسانی به نابینایان از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بصورت پراکنده و داوطلبانه آغاز شد. داوطلبان خود افراد کتابخوانی بودند که یا بنحوی از بینائی محروم بودند و یا به کارهای اجتماعی علاقه داشتند. بسیاری از کتابخانه های بزرگ و ملی کنونی، در آغاز، مجموعه شخصی افراد علاقمند بود و درخانه ایشان نگهداری می شد. کتاب رسانی به نابینایان معمولا همیشه از راه پست یا کتابخانه سیار بوده است و نابینایان با استفاده از خدمات پستی مجانی کتاب را عودت می دهند.

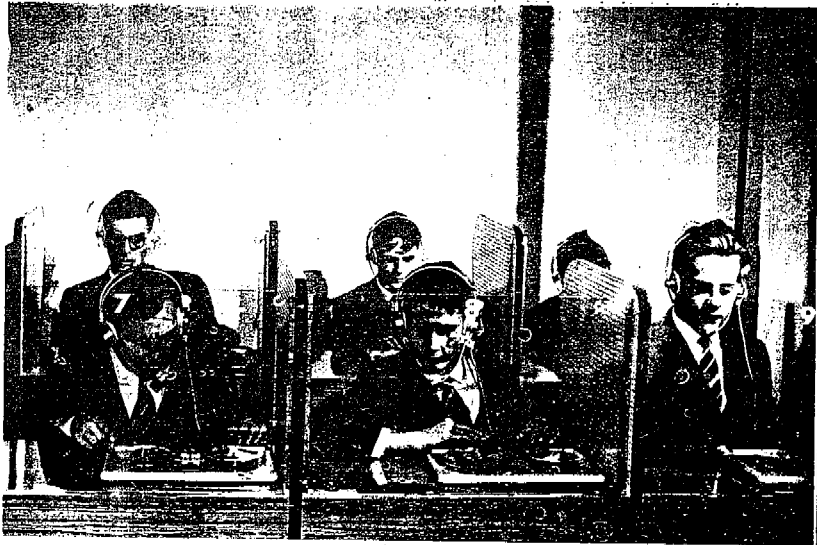
در حال حاضر دو رسانه اصلی و مرسوم برای مطالعه نابینایان عبارتست از کتاب گویا (بصورت صفحه یا نوار) و کتاب به خط بریل. کتابهای به خط "مون" هنوز هم در انگلستان و کانادا در جوار بریل باقی مانده است زیرا شباهت زیادی به خط معمولی لاتین دارد و در نتیجه فراگرفتن آن برای کسانی که در سنین بالا نابینا می شوند ساده تر است. علاوه بر این، دکتر مون توانست مشکل زمانی خط به خط خواندن با انگشت را به این ترتیب حل کند که خطوط مون متوالیا از چپ به راست و سپس از راست به چپ نوشته شود. با تمام اینها کتابهای مون بتدریج منسوخ می گردد. می توان گفت با روی کار آمدن کتاب گویا از اهمیت نسبی خط "بریل" نیز

کاسته شده است. ولی سرعت مطالعه با خط بریل (۲)، انطباق پذیری آن و امکان استفاده از آن برای نوشتن و تبادل افکار، همچنان آن را وسیله ارتباط مناسبی می‌سازد. برای دانشجویان نابینا نیز یادداشت برداری و نگارش جز با بریل بسیار مشکل است. طرفداران خط بریل همچنین معتقدند که مطالعه امری بسیار خصوصی است و زمانی که کتاب از طریق صدای شخص دیگری بگوش می‌رسد، چگونگی خواندن و لحن صدای واسطه در رنگ و معنا و درک آن بسیار دخالت می‌کند و شنونده را در مقامی بسیار ایستا و پذیرشگر قرار می‌دهد. معهذاً، موارد استفاده از کتاب گویا روز بروز افزایش می‌یابد: هم اکنون در کانادا در مقابل هر ده کتاب گویا، یک کتاب بریل به امانت می‌رود.

کتابهای گویا:

همانطور که اشاره کردم کار کتابخانه نابینایان، بویژه ضبط کتاب برای ایشان، از راه خدمات داوطلبانه آغاز شد و بتدریج گسترش یافت. در حال حاضر کتابخانه‌های نابینایان در اکثر کشورهای پیشرفته دارای بودجه مستقل و وابسته به سازمان رفاه نابینایان آن کشورها است؛ کار ضبط، تکثیر و پخش کتابها توسط گروهی از مهندسين و با کمک گویندگان حرفه‌ای، هنرپیشگان، و افراد مناسب، در استودیوهای مجهز به انجام می‌رسد. کتابها پس از تکثیر در اختیار شعب کتابخانه گویا و کتابخانه‌های عمومی وابسته قرار می‌گیرد و از طریق پست برای خوانندگان فرستاده می‌شود. گویندگان کتاب مانند سایر کارمندان کتابخانه دستمزد می‌گیرند. این مبلغ در مقابل هر یک ساعت نوار ضبط شده در حدود ۱۰۰ تومان میشود.

(۲) یک خواننده ماهر می‌تواند ۱۲۰ کلمه در دقیقه بخواند.



برخی از این افراد در پایان کار، دستمزد خود را مجدداً به سازمان نابینایان برمی گردانند. کتابخانه مرکزی معمولاً کار تهیه نشریات ادواری گویا را برعهده دارد و در شعبه های برخی شهرهای که حاکم روزنامه و یا مجله های محلی نیز ضبط و تکثیر می شود.

کتابخانه های نابینایان معمولاً از داوطلبان ضبط کتاب جهت خدمت به دانشجویان استفاده می کنند. دانشجوی نابینا می تواند برای دریافت اطلاعات اختصاصی که به صورت کتاب گویا یا بریل موجود نباشد به کتابخانه مراجعه کند. کتابخانه با توجه به فهرست داوطلبان، کار ضبط مقاله یا کتاب مورد تقاضا را به شخص مناسبی واگذار می کند و در اسرع وقت کتاب را به دانشجو تحویل می دهد. نسخه ای از این گونه مواد درخواستی نیز در کتابخانه نگهداری می شود.

معمولاً کتابهایی که در زمینه ادبیات، تاریخ، اقتصاد و فلسفه است بصورت گویا و کتابهای ریاضی، علوم، و زبانهای خارجی به خط بریل تهیه می شود. در آمریکا کتابهای گویای مورد نیاز بنا به درخواست بخش نابینایان و معاونین کتابخانه کنگره توسط ناشرین خاصی آماده می شود. بخش مزبور به بیش از ۳۰۰ هزار خواننده از راه ۵ کتابخانه منطقه ای کتاب می رساند. در سال ۱۹۷۱ در آمریکا تعداد ۲۷۵ عنوان کتاب به خط بریل و ۱۰۰۰ عنوان به صورت کتاب گویا تهیه شده است. شماره نشریات ادواری ویژه نابینایان و کتابهای درشت چاپ برای افراد کم بین را باید به این تعداد افزود. وقتی کتابی گویا برای کتابخانه کنگره تهیه می شود، موسسات دیگر می توانند آن را از طریق ناشر خریداری نمایند. فهرست ها، کتابشناسیها و کاتالوگهای ویژه کتابهای نابینایان در تمام کتابخانه های این کشورها بچاپ می رسد و از این میان کتابشناسیهای آمریکائی چشمگیرتر است.

ایراد عمده ای که بر کار تهیه کتاب گویا می توان گرفت ، تك رویهای کشورهای پیشرفته و کم توجهی ایشان به امکانات همکاریها و راه حل‌های بین المللی است . این عدم هماهنگی بیش از هر چیز ناشی از پیشرفتهای تکنیکی ناهمگام و گهگاه مشکلات حق مولف است . در حالیکه همه جا " چشم " وسیلهء متداول و همگانی استفاده از کتاب می باشد ، برای تهیه و استفاده از کتابهای گویا در کشورهای مختلف وسایل متفاوت بکار گرفته می شود . برای نمونه ، در آمریکا دو نوع کتاب گویا وجود دارد ، یکی بر روی صفحه با دور بسیار کند که شنیدن و تهیه آن فقط بوسیله گرامافون مخصوص نابینایان ممکن است ، و دیگری بر روی نوارهای کاست معمولی . در کانادا و انگلستان از نوارهای ویژه‌ای که تقریباً چهار و یا پنج برابر کاست معمولی است استفاده می شود . این نوار ظرفیت ۲ (ساعت ضبط را دارد و کار "کتاب جیبی" برای نابینایان را انجام می دهد . علاوه بر اینکه برای شنیدن نوار باید از دستگاه مخصوص استفاده کرد ، به دلایل تکنیکی نوارهای انگلیسی رانمی توان در کانادا تکثیر کرد . به این ترتیب علیرغم زبان مشترک این کشورها ، هر کتاب دریافتی باید ابتداء سیستم متداول يك کشور برگردانیده شود و سپس تکثیر گردد . در بعضی موارد این تغییر و تبدیل ها و مشکلات حق مولف چنان دشوار است که مبادله کتاب را نه آسان و نه دلپذیر می سازد . جز اینها ، پیشرفتهای تکنیکی وسایل چنان سریع است که کتابخانه های نابینایان در هر يك از این ممالك حداقل دو و گاه سه سیستم کتاب گویا دارند و مدام در حال برگرداندن و تبدیـل

(۲) معمولاً وسیلهء مطالعه نوار یا صفحه به طور امانت و در مقابل وجه ناچیزی به هر نابینای متقاضی داده می شود . داوطلبان متخصص هر چند از گاهی برای تعمیر وسایل به منازل نابینایان مراجعه می کنند .

کتابها به نوع جدیدتر آن می باشند . شرایط نگهداری و دوام کتابهای گویا نیز که از کتاب معمولی متمایز است کار را دشوارتر می سازد .

دراکثر این کشورها ، به سبب مسایل حل نشده تکنیکی و حق مولف و مانند آن ، کار توزیع کتابهای گویا فقط به گروه نابینایان و معلولین دیگر محدود است . چنانچه دامنه این خدمات به دیگر علاقمندان آن گسترش یابد و نوعی هماهنگی بین المللی در کار تهیه کتاب و یا لااقل وسایل فنی تهیه آن پدید آید ، جهشی خواهد بود در جهت بهترسازی و جهانی کردن این خدمات .

به امید آنکه روزی وسیله ای اختراع شود که چون بر روی خط نوشته قرار دهند ، علیرغم مشکلات زبانی ، خطوط را به صدای خوش و لحن دلپذیری برگرداند .

برخی مآخذ

1. "The British Talking Book Service". A brochure
2. A Going, Mona (ed.) Hospital Libraries and Work with the disabled. London: The Library Association, 1963.
3. The Hospital Library in Sweden. Translated from Swedish. London: The Library Association, 1962.
4. Kamisar, Hylde & Pollet, Dorothy. "Talking Books and the local library" Library Journal, Sept. 15, 1974. pp. 2123-2125.
5. Lewis, M. Joy. Libraries for the handicapped, 1967
Sevensma Prize Essay. London, The Library Association, 1969.
6. "Library service for the blind in Canada". Ontario Library Review. Dec. 1971. pp. 230-234.
7. "Making life easier". RNIB New Beacon. Vol. L111, N. 623
March 1969.
8. "Reading by touch". The Royal National Institute for the Blind.
Information Leaflet No. 8.
9. "Royal National Institute for the Blind", Report of the Executive Council for the Year ended. 31st March 1974.